خبر

همزمان با سراسر کشور؛

رژه نیروهای مسلح در ۵ شهر گلستان برگزار شد

رژه نیروهای مسلح در پنج شهر گرگان، گنبد کاووس، علی آباد، کردکوی و آزادشهر گلستان برگزار شد.به گزارش مهر، رژه نیروهای مسلح استان گلستان صبح جمعه همزمان با سراسر کشور در پنج شهرستان گرگان، گنبد کاووس، آزادشهر، کردکوی و علی آباد گلستان برگزار شد.فرمانده سپاه نینوا گلستان در مراسم رژه شهرستان گرگان، اظهار کرد: مفتخریم روز نخست هفته دفاع مقدس با اول محرم تقارن پیدا کرده است و موفقیت های دفاع مقدس مرهون فرهنگ عاشورایی است.سردار رحمت الله صادقی افزود: مجاهدت ها، وفای به عهد، ولایت مداری، ارزش مداری، زیبایی ها وخوبی های عاشورای حسینی دردفاع مقدس تبلور داشت.وی اظهار کرد: مردم باید به تاسی از این فرهنگ عاشورایی گام بردارند تا این انقلاب شکست ناپذیر باشد. صادقی افزود: گستاخی ها و توهین رییس جمهور آمریکا راشنیدید و این فرهنگ دشمنان ماست و ما برای مقابله با آن ها راهی جز ایجاد آمادگی دفاعی نداریم.فرمانده سپاه نینوا گلستان ادامه داد: باید حرکات دشمن را رصد کنیم و با گوش به فرمان بودن به رهبر معظم انقلاب بر حرکات دشمن اشرافیت داشته باشیم، گرچه دشمن در دوران دفاع مقدس سیلی محکمی از سوی ما خورده است و تعرض جدیدی نداشته است.وی افزود: گفتمان جمهوری اسلامی گفتمان مبتنی بر قدرت است و اگر این گفتمان مبتنی بر قدرت نباشد این گفتمان به نتیجه ای نمی رسد.سردار صادقی ادامه داد: نیروهای مسلح باید با حفظ آمادگی خود و ارتقای سطح توانمندی خود پشتیبان ولایت فقیه باشند.

بی‌توجهی به فعالیت غیرمجاز عطاری‌ها

رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان گنبدکاووس با اشاره به اینکه ما هیچ مشکلی با طب سنتی نداریم، گفت: برخی با جعل این عنوان باوجود فقدان سواد و دانش علمی حتی بیماران را ویزیت کرده و دارو تجویز می‌کنند. به گزارش فارس، رضا صابری در کمیسیون مبارزه با قاچاق کالا و ارز شهرستان گنبدکاووس با اشاره به اینکه ساماندهی عطاری‌ها به یک معضل بزرگ برای شهرستان تبدیل شده است، اظهار کرد: از ابتدای سال و پس از بازدید که به همراه فرماندار، بخشدار و رئیس مرکز فنی و حرفه‌ای شهرستان از برخی مراکز آموزشی و بهداشتی داشتیم پیشنهاد برگزاری کلاس‌های آموزشی را برای عطاری‌ها ارائه کردیم که تا کنون دو نوبت این کلاس‌ها و دوره‌ها را نیز برگزار کرده‌ایم. وی با بیان اینکه شناخت دقیق عملکرد عطاری‌ها و وظایف تخصصی آنها را در این کلاس‌ها یادآور شده‌ایم، خاطرنشان کرد: متاسفانه با وجود این اطلاع‌رسانی‌های مکرر همچنان شاهد تخلف برخی عطاری‌ها و ارائه داروهای خارج از مجوز عطاری به مردم و حتی ویزیت بیماران در این عطاری‌ها به اسم طب سنتی هستیم. رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان گنبدکاووس با انتقاد از خلا قانونی و برخورد غیر بازدارنده با متخلفان و مجرمان در حوزه فروش و ارائه دارو در عطاری‌ها، گفت: برخی از این عطاری‌ها حتی کارشناسان و بازرسان بهداشت و درمان را به عطاری راه نمی‌دهند و با الفاظ ناشایست آنها را فاقد صلاحیت و بررسی می‌دانند که این برخوردها ناشی از عدم برخورد جدی دستگاه قضایی و تعزیرات با این واحدهای غیر مجاز است. صابری با تاکید بر اینکه اگر به سرعت مشکل عطاری‌ها در شهرستان حل نشود به طور قطع سلامت مردم به خطر خواهد افتاد، ادامه داد: در بازرسی‌هایی که از عطاری‌ها داشته‌ایم پنج عطاری اقدام به فروش داروی غیرمجاز، پنج عطاری اقدام به فروش کالای قاچاق، چهار عطاری به ارائه مکمل‌های دارویی غیرمجاز و سه عطاری نیز به فروش اقلام تاریخ گذشته می‌پرداختند که برای یک شهر کوچک مثل گنبدکاووس یک فاجعه در حوزه سلامت مردم است. رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان گنبدکاووس با اشاره به اینکه ما با طب سنتی و یا طب اسلامی هیچ مشکلی نداریم و در ساختار وزارتخانه نیز با راه‌اندازی معاونتی ویژه در صدد حمایت از این بخش هستیم، تصریح کرد: آنچه ما را نگران کرده مداخلات درمانی توسط عطاری‌ها و تجویز و ارائه داروی غیرمجاز به مردم و ویزیت بیماران به عنوان پزشک سنتی بدون حداقل مدرک تحصیلی و یا دوره‌های فنی لازم است.صابری با بیان اینکه در حال حاضر دو متخصص طب سنتی در گنبدکاووس حضور دارند که یکی از این عزیزان در زمره کارشناسان خبره صدا و سیما به شمار می‌رود و دیگری عضو هیئت علمی دانشگاست، اضافه کرد: ما ضمن حمایت از این دو بزرگوار به وجود آنها افتخار می‌کنیم و واقعا هیچ مشکلی با فعالیت این عزیزان نداریم.وی بانگران کننده دانستن فعالیت برخی عطاری‌ها که از مردم بابت ویزیت مبالغی بالغ بر ۸۰ هزار تومان را دریافت کرده و از ناآگاهی مردم سواستفاده می‌کنند، تاکید کرد: اگر برخوردهای جدی با این افراد از سوی دادگستری و دستگاه قضایی صورت بگیرد شک نکنید که این افراد رویه خود را اصلاح خواهند کرد اما تا زمانی که این واحدهای غیرمجاز با جریمه‌هایی به میزان درآمد نیم ساعت خود روبه‌رو هستند با قوت به اقدامات متخلفانه خود ادامه می‌دهند.رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان گنبدکاووس با اشاره به سخنان وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبنی بر نارضایتی از فعالیت برخی افراد کلاهبردار در قالب طب سنتی و طب اسلامی، گفت: مردم باید هوشیار باشند و بدانند که سلامت خود را نباید در اختیار کسانی قرار دهند که دانش و مهارت لازم برای بررسی مشکلات آنها در حوزه سلامت جسم و روح را ندارند.صابری با اشاره به گردش مالی بالای برخی واحدهای صنفی غیرمجاز بهداشتی و درمانی در قالب عطاری و طب سنتی، خاطرنشان کرد: اگر توان اصلاح موضوع در سطح کلان وجود ندارد می‌توان از ظرفیت مصوبات کارگروه سلامت و یا کمیسیون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برای حل موضوع در سطح شهرستان استفاده کرد.

خبر

باید به فکر تربیت نسل آینده باشیم

نماینده ولی فقیه در گلستان و امام جمعه گرگان گفت : باید به فکر تربیت نسل اینده باشیم.وی افزود :انجام کارهای مغایر با اهداف فرهنگ عاشورا ، یکی از آسیب های جدی و اساسی عزاداری های ماه محرم است.
به گزارش ایرنا، آیت الله سیدکاظم نورمفیدی در خطبه های نماز جمعه گرگان اظهار کرد : توجه به پیام امام حسین علیه السلام و اهداف قیام بزرگ عاشورا باید به یکی از برنامه های جدی عزاداران حسینی تبدیل شود.
نماینده مردم گلستان در مجلس خبرگان رهبری افزود: دینداری، ولایتمداری، امر به معروف و نهی از منکر و ایستادگی در برابر زورگویان از جمله آموزه های قیام امام حسین (ع) است که درعزاداری ها و سینه زنی ها باید به آنها توجه شود.امام جمعه گرگان در ادامه به فرا رسیدن سال تحصیلی جدید اشاره کرد و گفت : پرورش نسل آینده و برخورداری آنان از دانش و آگاهی کافی ، یکی از نیازهای جدی کشور برای رسیدن به توسعه است که لازم بوده معلمان در تربیت این نسل توجه و همت بیشتری کنند .نماینده ولی فقیه در گلستان به سخنان ضدایرانی رییس جمهور آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل نیز اشاره کرد و گفت : مهمترین هدف آمریکا ، منزوی کردن ایران در خاورمیانه و جهان است اما با ناکامی در رسیدن به این هدف، اینگونه علیه ایران سخنرانی می کنند.آیت الله نورمفیدی ادامه داد: آنها می خواهند برجام را از میان برده و تحریم ها را دوباره از سر بگیرند که امیدواریم در رسیدن به این هدف خود ناکام بمانند.

هدف آموزش و پرورش برقراری عدالت آموزشی است

مدیر کل آموزش و پرورش گلستان گفت: آموزش و پرورش مسئولیت سنگینی دارد و تلاش می کند تا عدالت آموزشی برقرار شود.به گزارش مهر، محمدرضا وطنی اظهار کرد: مدرسه بلال حبشی از مدرسه های حاشیه شهر است و برای این که یادمان باشد چنین مدرسه هایی در شهر وجود دارد، این مدرسه برای زنگ شکوفه ها و غنچه ها انتخاب شد.وی ادامه داد: مدرسه شاهد نیز به دلیل هم زمانی با ماه محرم و انتقال فرهنگ ایثار و شهادت برای زنگ بازگشایی مدارس انتخاب شد.وطنی با بیان این که در دبستان بلال حبشی بچه های کار نیز تحصیل می کنند، تصریح کرد: بسیاری از خیرین کمک می کنند تا این بچه ها از تحصیل باز نمانند.مدیر کل آموزش و پرورش گلستان تأکید کرد: آموزش و پرورش مسئولیت سنگینی دارد و ما تلاش می کنیم تا عدالت آموزشی برقرار شود، بدون همراهی سازمان ها و خانواده ها و خیرین نمی توان به اهداف سند تحول رسید.وی ادامه داد: باید به خانواده هایی که نیازمند هستند کمک شود تا زمینه تعلیم و تربیت فرزندانشان فراهم شده و اهداف آموزش و پرورش نیز تأمین شود.وطنی بیان کرد: دو تا سه درصد از بچه ها که باید در مدرسه باشند، از آموزش محروم می شوند و با برنامه ریزی هایی که در استان انجام دادیم ما به سراغ آن ها می رویم و اگر ضرورتی برای کار آن ها وجود داشت، در محیط کار به آن ها آموزش می دهیم و نمی خواهیم از این نعمت محروم شوند. مدیر کل آموزش و پرورش گلستان اذعان کرد: اتباع خارجی در استان وجود دارند که نیازمند تحصیل هستند و ما تلاش می کنیم تا با کمک سازمان های مرتبط با موضوع، زمینه تحصیل آن ها فراهم کنیم. وطنی با بیان این که در دبستان بلال حبشی بین ۹۵ الی ۱۰۰ نفر دانش آموز غیرایرانی تحصیل می کنند، گفت: مشکلی در مورد تحصیل اتباع خارجی وجود ندارد، هم وزارت آموزش و پرورش و هم رهبر معظم انقلاب در این باره تأکید دارند و تسهیلاتی در این زمینه فراهم شده است.وی همچنین گفت: ما در شهرستان ها نیروهایی را تعیین کردیم تا بازماندگان از تحصیل را شناسایی کنند و معلم های ما سراغ بچه ها می روند تا تحصیل آن ها عقب نماند.وطنی درمورد معلمان حق التدریس گفت: معلم های حق التدریس تا جایی که در قانون آمده امسال نیز به کار گرفته می شوند.

بی توجهی مالکان عامل اصلی آتش‌سوزی تکایای تاریخی گرگان است

معاون میراث اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گلستان گفت: بی‌توجهی مالکان عامل اصلی آتش‌سوزی بخشی از بافت ارزشمند تاریخی گرگان بود. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی، جاوید ایمانیان اظهار کرد: در حادثه‌ای تأسف‌بار در بامداد ۲۹ شهریور ۹۶ بخشی از تکیه میدان بار در بافت تاریخی ارزشمند گرگان در آتش سوخت. وی افزود: این آتش‌سوزی ساعت ۴ چهار صبح از طبقه همکف مغازه واقع در چهارراه میدان گرگان که علت آن هنوز مشخص نشده آغاز و به سقف چوبی طبقه اول و سپس به سقف چوبی طبقه دوم که باعث شد تقریباً تمام پوشش چوبی خرپاها و تخته‌کوبی‌های طبقه دوم تکایا طعمه حریق شده و از بین برود. ایمانیان افزود: در این مرحله نیاز به اقدام حفاظتی فوری اما موقت برای پوشش طبقه دوم تکایا است تا بتوان در فرصتی مناسب مرمت پوشش بام را به‌صورت کامل انجام داد.معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گلستان ادامه داد: از عوامل تأثیرگذار این حوادث می‌توان مالکین این آثار ارزشمند تاریخی اشاره کرد که بنای خود را سالیان سال به‌صورت متروکه رها می‌کنند و کوچک‌ترین رسیدگی به آن‌ها نمی‌شود.

دغدغه هزینه درمان سرطان بیشتر از غم بیماری است

بانوی فداکار گرگانی که مسئولیت زندگی را بر دوش می کشد با بیان این که سرطان برای کسی که اوضاع مالی خوبی ندارد طاقت فرسا تر است، عنوان کرد: تمام تلاشم را برای بهبود همسرم کردم. به گزارش مهر، مسیر زندگی پر از دست انداز و پیچ و خم هایی است که ناچار باید از آن عبور کرد. برخورد هر شخص نسبت به مشکلات متفاوت است، یکی زیر بار آن خم می شود، یکی منتظر کمک دیگران می شود و یکی مانند کوه در برابر آن می ایستد. نمونه کسانی که در برابر مشکلات زندگی ایستادگی کرده اند در شهر ما کم نیست، یکی از آن ها شهربانو حسینی نوده است که اصالتا اهل علی آبادکتول است اما ۶ سال است که به همراه خانواده در گرگان ساکن است. خانم حسینی ۴۵ سال دارد، ۱۹ سال است که ازدواج کرده و دارای یک پسر ۱۷ و یک دختر ۱۵ ساله است. وی تا کلاس پنجم نهضت سوادآموزی درس خوانده است. همسر وی دو سال پیش دچار سرطان معده شد و خانم حسینی با مشقت فراوان و با توکل به خدا و همراهی موسسه خیریه حامی بیماران خاص سرطانی در استان، توانست به همسرش کمک کند تا با هم در برابر این بیماری بایستند و آن را شکست دهند، او برای تأمین هزینه های درمان، مغازه پخت نان ایجاد کرد. اکنون شرایط کاری او به جایی رسیده است که علاوه بر تامین هزینه های درمان سرطان مبلغی را نیز به موسسه خیریه برای کمک به کودکان سرطانی اختصاص می دهد. ماجرای زندگی خانم حسینی را از زبان خود او می شنویم.

همسرتان چند سال دارد و شغل وی چیست؟

همسر من ۴۵ ساله است و کارگر شهرداری است که در حال حاضر به علت گذراندن دوران نقاهت بیماری بیشتر در منزل به سر می برد.

چطور با بیماری همسرتان کنار آمدید؟ چگونه روحیه خود را حفظ کردید؟ در ابتدا پذیرفتن این بیماری برایم بسیار سخت بود، خود بیماری از یک طرف و تأمین هزینه های سرسام آور شیمی درمانی و مراحل بعدی درمان از سمت دیگر باعث شد بسیار ناراحت و غمگین شوم، بعد از یک عمر زندگی وقتی می دیدم همسرم درد می کشد و من کاری نمی توانم انجام دهم ناراحت بودم، به خاطر آینده بچه هایم نگران بودم، البته امیدم را هیچ وقت از دست ندادم و به خدا توکل کردم.

اوضاع مالی خانوادتان چگونه بود؟

همسرم با کارگری زندگی را می چرخاند، من نیز هنگامی که در روستا بودیم در مزرعه و هنگامی که به شهر آمدیم کارگری می کردم تا کمک خرج وی باشم امّا هنگامی که او مریض شد اوضاع نیز تغییر کرد.

در ابتدا هزینه های درمان همسرتان را چگونه تأمین می کردید؟ آیا شخص یا اشخاصی به شما کمک می کردند؟ از ارگان حمایتی خاصی کمک گرفتید؟

در ابتدا با کمک های مردم، وام و کارگری شروع به درمان همسرم کردم. به ارگان حمایتی خاصی مراجعه نکردم، به علت داشتن بیمه، کمیته امداد امام خمینی (ره) کمکی به ما نکرد. تا این که در یکی از مراحل شیمی درمانی یک نفر آدرس مرکز خیریه ای را به من داد و من از آن جا با موسسه خیریه «کانون تلاش و امید زندگی» با مدیریت حمید آقایی نژاد آشنا شدم و آن ها برای تأمین هزینه ها به من کمک زیادی کردند.

در درمان با چه مشکلاتی روبرو بودید؟

من روحیه تلاش گری و مبارزه برای رسیدن به خواسته ام را داشتم، امّا این بیماری بسیار بی رحم است. همسرم جلوی چشم من درد می کشید و من کاری نمی توانستم کنم. وقتی به بیمارستان وارد می شوی افراد زیادی را می بینی که به درد تو مبتلا هستند، افرادی که هریک به شکلی درگیر هستند و من فکر می کنم باید بیمارستان ها امکاناتشان را بیشتر کنند تا جوابگوی آن ها باشد. این بیماری برای کسی که اوضاع مالی خوبی ندارد، علاوه بر غم بیماری، غم نداری را هم اضافه می کند. اگر فردی در خانواده مریض باشد کل خانواده درگیر می شوند.

اکنون بیماری همسرتان در چه مرحله ای است؟

در حال حاضر شیمی درمانی وی تمام شده، ۳۰ جلسه برق نیز انجام شده است و اکنون تحت نظر دکتر است. او هر ماه باید آندوسکوپی معده، سیتی اسکن، سونوگرافی و آزمایش انجام دهد و دارو مصرف کند که البته هزینه های بسیار بالایی دارد. همسرم بدنش ضعیف شده و پلاکت خونش پایین است و باید تحت درمان باشد.

انگیزه ایجاد مغازه نان کتول چه زمانی در ذهن شما شکل گرفت؟ وقتی با موسسه آشنا شدم، آن ها برای هزینه های بیماری همسرم کمک فراوانی کردند. برای بخشی از هزینه ها از آن ها وام گرفتم، چون هزینه ها زیاد بود و نمیشد تنها به کمک آن ها بسنده کرد، تصمیم گرفتم که کاری را شروع کنم، مغازه ام را در تاریخ ۱۷ مرداد افتتاح کردم.

مشاور و مشوق شما در این کار چه کسی بود؟ مکان مغازه تان کجاست؟ وقتی دیدم بایک حقوق اندک جوابگوی تأمین هزینه های درمان بیماری سرطان و هزینه های زندگی نیستم. ۴۵ میلیون تومان وام داشتم، کارگری دیگر جواب نمی داد و بدنم هم برای کارگری توان نداشت. هنگامی که مدیر موسسه خیریه پیشنهاد ایجاد کاری را داد و گفت چه هنری بلد هستی، من این کار را پیشنهاد دادم و آن ها کمک کردند تا کارگاه را ایجاد کنم. مکان کارگاه، شهرک جامی، جامی هشت است.

آیا قبلاً تجربه این کار را داشتید؟

این کار را از زمان مجردی در کنار مادرم یاد گرفته بودم و گاهی این کار را انجام می دادم.

برای ایجاد کارگاه چه کسانی به شما کمک کردند؟

موسسه «کانون تلاش و امید زندگی» در خرید دستگاه ها به من کمک کرد و اکنون در فروش نان به من کمک زیادی می کند. هزینه های جاری مغازه با بنده است.

آیا کانون خیریه بر کار شما نظارت دارد؟

کانون خیریه بر کار من نظارت دارد، به مغازه سر می زنند، اگر کیفیت نان ها خوب نباشد تذکر می دهند، در فروش بازدید دارند. کانون برای بچه های خانواده های بیمار کلاس های آموزشی و هنری گذاشته و دخترم در کلاس های آن ها شرکت کرد.

آیا این کار جوابگوی هزینه بیماری همسرتان است؟

بعد از افتتاح مغازه کلیه هزینه های درمان را به طور کامل خودم تأمین کردم و به کانون مراجعه نکردم تا شخص دیگری به جای من کمک شود. با این شغل اقساط، هزینه های درمان و هزینه های زندگی را تأمین می کنم.

چند نفر در نانوایی مشغول به کار هستند؟ چند ساعت در روز مشغول به کار هستید؟

در مغازه فعلاً تنها هستم ولی به فکر گرفتن شاگردم. چون این کار به تنهایی سخت است و باید شخصی دیگری کنارت باشد. کار بسیار سنگینی است، ساعت دو و نیم صبح بیدار می شوم، خمیر می زنم، دستگاه خمیرزن ندارم چون بودجه آن را ندارم و نداشتن این دستگاه کار را بسیار سخت می کند اما به خاطر خانواده تحمل می کنم. نان ساعت ۶ صبح آماده است. اگر مشتری داشته باشم از صبح که مغازه می روم تا ساعت ۱۱ شب هستم. پسرم هم درس می خواند و هم کار می کند و در بعضی از مراحل خرید در کارهای بیرونی مغازه به من کمک می کند.

نام محلی نانی که تولید می کنید چیست؟ تنوع آن چقدر است؟ آیا برای فروش و توسعه تولیدات خود برنامه ای دارید؟ در مغازه نان برنجی، قتلمه، نان خرمایی، نان شیرمال، نان شیرین، نان محلی کتول و حلوا برنجی درست می کنم. شرایط فروش در نمایشگاه ها خوب است، از بازارهای محلی استفاده نکردم. خودم برای کارم تبلیغ می کنم، موسسه نیز در جلسات مختلف خودبرای من تبلیغ می کند.

شنیدم بخشی از فروش خود را به کودکان سرطانی اختصاص دادید. چه عاملی سبب شده بخشی از فروش خود را به نفع کودکان سرطانی هزینه کنید؟

بعد از افتتاح مغازه بخشی از درآمدم را به نفع کودکان سرطانی هزینه می کنم، براساس میزان فروش در ماه بین ۲۰ الی ۴۰ درصد برای کمک به موسسه می دهم. خودم خواستم که بخشی از فروش برای کمک صرف شود. دو سال من از خدمات موسسه استفاده کردم اکنون وظیفه ام است که به افرادی مانند خودم کمک کنم. اگر کارم بیشتر رونق یابد بیشتر هم کمک خواهم کرد.

توصیه شما به بانوانی که شرایط آن ها مانند شماست چیست؟ دو سالی که همسرم بیمار است نگذاشتم فرزندانم پیش دیگران سرافکنده باشند، وقتی شخصی از خود یک هنری داشته باشد خودش می تواند کارش را انجام دهد، نباید متکی به دیگران باشد و باید روی پای خود بایستد. من اگر هر هنری داشتم برای نجات همسرم آن را به کار می گرفتم. اگر کسی مجبور باشد از هیچ تلاشی برای نجات زندگی خود کوتاهی نمی کند، من به خاطر همسر و فرزندانم حاضرم بیشتر تلاش کنم تا آن ها در رفاه باشند. تا زمانی که خودم هستم و نفس دارم نمی گذارم فرزندانم کمبودی در زندگی داشته باشند و در مراحل مختلف همراهشان هستم، نمی گذارم بچه هام سختی هایی را که من در زندگی کشیدم، تجربه کنند. باید درس بخوانند و فرد موفقی در جامعه باشند.

انتظار شما از مسئولان برای حمایت بیشتر از شما چیست؟

در حال حاضر بیشترین مشکل در کارم نداشتن دستگاه خمیرزن است که امیدوارم به زودی آن را تهیه کنم که هم از سختی های کار کم شود و هم کارایی ام بالا رود. همین که موسسه ای وجود دارد و به بیماران کمک می کند بسیار ارزشمند است، بیمار من که در شرایط بدی به سر می برد با کمک آن ها حالش بهبود یافت و نجات پیدا کرد. از همگی کسانی که به من کمک کردند بسیار سپاسگزارم. امیدوارم شرایطی فراهم شود تا زمینه فروش بیشتر ایجاد شود تا کارم رونق بگیرد و هم بتوانم به دیگران کمک کنم.

در پایان اگر صحبتی باقی مانده بفرمایید.

من سختی و نداری بسیاری در زندگی کشیدم ولی به خانواده ام نگفتم و با سیلی صورتم را سرخ نگه داشتم. همسرم درد زیادی داشت، آن را بروز نمی داد، هنگامی که من در منزل نبودم و او درد داشت، به بچه هایم می گفت به مادرتان چیزی نگویید. خداراشکر که اکنون همسرم بهتر است و در کنارم است. دلبستگی دخترم به پدرش بسیار زیاد است و دیدن دردهای وی برایش سخت بود. اگر کارم رونق یابد آینده خوبی را پیش بینی می کنم، از کارم راضی هستم، مشتری راضی است و این حس خوبی به من می دهد و پیشنهاد می کنم که دیگران هم آن را تجربه کنند.

آتش سوزی در جنگل های شرق گلستان مهار شد

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان از مهار اولیه آتش سوزی در جنگل های شرق گلستان خبر داد.ابوطالب قزلسفلو در گفتگو با مهر در رابطه با آخرین وضعیت آتش سوزی در جنگل های شرق گلستان اظهار کرد: مهار اولیه آتش انجام شده و نیروهای امدادی در حال تلاش برای مهار کامل آتش هستند. وی افزود: تقاضای بالگرد برای امدادرسانی هوایی کرده بودیم اما با مهار اولیه نیازی به استفاده از بالگرد نبود از این رو بالگرد بدون عملیات فرودگاه کلاله را ترک کرد. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان اظهار کرد: از میزان دقیق خسارت وارد شده به جنگل های شرق گلستان هنوز اطلاعاتی در دست نیست.

زنگ شکوفه ها و غنچه ها در گرگان به صدا در آمد

زنگ شکوفه ها و غنچه ها با حضور مدیر کل آموزش و پرورش گلستان در دبستان بلال حبشی به صدا درآمد. به گزارش مهر، زنگ شکوفه ها و غنچه ها، صبح چهارشنبه توسط مدیر کل آموزش و پرورش گلستان و خواهر شهید گل محمد صیادی در دبستان بلال حبشی زده شد و یک هزار و ۸۰۰ کلاس اولی در گرگان سال تحصیلی جدید را شروع کردند. در این مراسم محمدرضا وطنی در جمع خانواده های دانش آموزان اظهار کرد: حضور والدین در مدرسه و هماهنگی آن ها با مدرسه در پیش برد اهداف آموزش و پرورش مؤثر است. وی از زحمات خیرین در تجهیز دبستان بلال حبشی قدردانی کرد و افزود: خیرین همواره یار و یاور آموزش و پرورش هستند و دربازسازی و تجهیز مدارس نقش پررنگی دارند. وطنی تصریح کرد: با همزمانی آغاز سال تحصیلی با ماه محرم، این انتظار از خانواده ها وجود دارد که فرزندانشان را با فرهنگ عاشورا آشنا کنند. وی همچنین گفت: والدین باید تلاش کنند تا با کمک معلمان بچه های قرآنی تربیت کنند تا دانش آموزان از هم اکنون با قرآن و سیره معصومین آشنا و شاداب، با اخلاق، اهل علم و متعهد شوند. لازم به ذکر است که امسال، ۳۹ هزار پیش دبستانی در سطح استان و ۳۷ هزار دانش آموز پایه اول وارد عرصه تعلیم و تربیت می شوند، همچنین تعداد کل دانش آموزان گلستانی ۳۲۵ هزار نفر است.

ادامه یادداشت

دانش‌نامه و نقد

.سخن‌رانی سرپرست محترم، بسیار طولانی و تکراریِ و خسته‌کننده شد تا جایی که از همان حاضران اندک، تعدادی سالن را ترک کردند. سخن‌رانی خاتمه یافت تا برای تنوع کسی بیاید و شعری به گویش گرگانی بخواند که متاسفانه چندان سخیف و بی‌محتوا بود که اصلا و ابداً در شان چنین مجلسی نبود.گمان می‌کردم بعد از برنامه‌ی شعرخوانی، مجری برنامه از من بخواهد که نقدم را ارائه دهم، اما در کمال تعجب دیدم که بازهم سرپرست محترم دانش‌نامه برای ادامه‌ی سخن‌رانی به پای تریبون دعوت شد، در حالی که چیزی حدود ۱۰ دقیقه به اذان مغرب مانده بود. در چنین جلساتی با بلند شدن صدای اذان، خواسته و ناخواسته، پایان آن اعلام می‌شود و هرکسی پی کار خود می‌رود.دیگر ماندن جایز نبود. ازجا برخاستم و وسط سخن‌رانی، سالن را ترک کردم.حتا بعد شنیدم که یکی از حاضرین صف جلو خواست سئوالی مطرح کند که به او هم فرصت ندادند و در واقع وعده کردند برای زمان پایان سخن‌رانی که خود تا آخرین لحظات، هم‌چنان ادامه داشت.در راه برگشت به خانه بودم که تازه فهمیدیم چرا زمان شروع برنامه را یک‌ساعت به‌تأخیر انداختند.

آگهی‌های ثبتی

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت ششدانگ یک زمین محصور به مساحت ۴۴۶,۲۵ مترمربع به پلاک ۴۸/۳۵۷/۲۸۲۰ اصلی واقع در بخش ۹ حوزه ثبتی مینودشت که ذیل ثبت ۴۶۶۹۹ صفحه ۱۶۹ دفتر جلد ۲۵۸ به نام خانم عصمت عسگری ثبت شده است. سپس مالک با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۱۶ مینودشت ادعا نموده که سند مالکیت در حین اسباب کشی مفقود شده و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده اند. علیهذا باستناد ماده ۱۲۰ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت اقدام خواهد شد.
حسین باغبانی – رئیس ثبت اسناد و املاک مینودشت – م الف ۸۳۴۰

نسخه اینترنتی روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

یادداشت

اهلیت زبانی در درک فلسفه هگل

حامد صفاریان

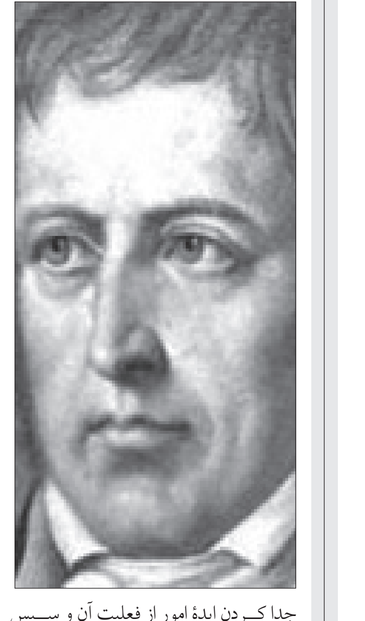

جدا کردن ایدهٔ امور از فعلیت آن و سپس تلاش برای تصاحب فعلیت بدون ایده (مانند واردات تکنولوژی بدون ایده و فرهنگ آن یا بناکردن دانشگاه بدون داشتن ایدهٔ آن و مانند این) یا تلاش برای تصاحب ایده بدون فعلیت (مانند تقلید از فرهنگ غرب بدون داشتن واسطه‌های آن، یا تصور خام اکتساب اندیشه از راه ترجمهٔ صرف یا تقلید از ایدهٔ دموکراسی بدون داشتن لوازم و شرایط و امثال آن) خطایی است که ملل عقب‌افتاده در بسیاری موارد مرتکب آن می‌شوند. در این معنا، انتقال برخی اندیشه‌ها به برخی زبان‌ها نیز ناممکن است. ای‌بسا زبان‌هایی که فقط برای رفع امور طبیعی کفایت می‌کنند و روزی محو خواهند شد بدون این که عقلانیت در آنها تجلی‌ای قابل اعتنا یافته باشد. یکی از استدلالات طرفداران این مدعا که فلسفه‌ای مانند فلسفهٔ هگل را می‌توان بتمامی بواسطهٔ زبان انگلیسی گذراند این است که محتوای فلسفهٔ فیلسوف از آنجایی که بیان عقلانیت است و عقلانیت امری واحد است، ناواسطه به زبان اصلی‌ای است که در آن صورتبندی شده است و هر جوینده‌ای که فقط پایبند به خود عقلانیت باشد، فارغ از زبان صورتبندی آن عقلانیت، قادر به اکتساب کل آن عقلانیت از هر زبانی و بیان دوبارهٔ آن در هر زبانی خواهد بود. این موضع، عقلانیت را بطور کلی، یا محتوای یک فلسفه را بطور خاص، امری صرفاً کلی می‌پندارد و آن را از شرایط زمانی-مکانی-وجودی تحقق آن، یعنی از انضمامیت آن، منتزع می‌کند. شاید ایدهٔ عقلانیت به مثابهٔ یک امر بالقوه امری واحد باشد اما تحقق و تجلی آن امری واحد نیست و از آنجا که ایده بدون تحقق و انضمامیتِ خاص خود عملاً امری ناواقعی و مثالی (در معنایِ افلاطونی آن) بیش نیست، فعلیت آن واحد نخواهد بود. شاید زبان انگلیسی برای امور آموزشی یا پرداختن به فلسفه در حد «تاریخ فلسفه» و «کلیات» کافی باشد اما برخی ظرایف فلسفهٔ هگل از زبانی که در آن بیان شده جداشدنی نیست و این خیال باطلی است که بتوان «فقط» از طریق زبان انگلیسی به این ظرایف دست یافت. به قول دوستی، بواسطهٔ زبان انگلیسی شاید تنها بتوان وارد عمارت نظام هگل شد و به تماشای آن پرداخت اما درک روح حاکم بر این عمارت و بسیاری ظرایف و گوشه‌های آن وابسته به زبانی است که این روح در آن متجلی شده و با ما سخن می‌گوید. تا وقتی زبان انگلیسی زبان «وَررفتن» با ایدئالیسم آلمانی در ایران باشد، حد فهم ما از این فلسفه‌ها از «تاریخ فلسفه برای اهداف آموزشی» فراتر نخواهد رفت. این سخن به معنای انحصارگرایی نیست، بلکه به این معناست که ما در کنار «ترجمه» از انگلیسی باید به «آموزش» زبان آلمانیِ مختص علوم انسانی و بخصوص فلسفه، و آموزش «روش» مواجهه و تحقیق در متونِ اصلی بپردازیم، چنانکه کسانی را تربیت کنیم که بی‌واسطه با روح فلسفه‌های بیگانه وارد گفتگوی مستقیم شوند و آنگاه به نزد ما بازگردند و به زبان خودِ ما با ما سخن بگویند و برای ایدهٔ عقلانیت امکان تجلی و تحقق در زبان خود ما را فراهم کنند.

گشودگی بالهای جغدمینروا

واکاوی دو تفسیر از اندیشه سیاسی هگل

محمد امین مرئی- بیش از صدو هشتاد و پنج سال از مرگ مردی می گذرد که برای نخستین بار اثری تحت عنوان فلسفه تاریخ به تصنیف درآورد؛ مردی که نبوغش کشف تاریخ به مقوله و زمینه ای برای تفکر فلسفی بود.

گئورگ ویلهلم فردریش هگل برجسته ترین فیلسوف در تاریخ اندیشه است که با کشف تاریخ و تاکید بر خصلت تاریخی حقیقت، گسستی جدی از کل فرادهش فلسفی غربی را سبب گردید. از نظر وی، تاریخ نه «طرح رقص های پرشور بی شمار» و جزییاتی پراکنده بلکه یک داستان پیوسته و صد البته پیشرونده است. همین تاکید بر تاریخ بود که هموطن بنیان فکنش -نیچه- او را متالهی مکار و دغل باز نامید که «گوساله سامری تاریخ» را در تقابل با «زندگی» و حیات علم کرده و به تقدیس و تصدیقش پرداخته است؛ چنانکه اهل یهود این گوساله را عوض یهوه به پرستش گرفت.

تا سالیان متمادی نقش هگل به تاثیری که بر کارل مارکس نهاده بود، فرو کاسته می شد اما با تتبعات بیشتر، ژرف اندیشی و نکته سنجی های وی بیش از پیش نمایان گردید. حقیقتی ست که نمی توان به درکی از تاریخ و سیاست اروپا رهنمون شد و در عین حال از این آلمانی معظم رو گرفت. اما این نکته که هگل اندیشمندی مهم در تاریخ اندیشه از نظر همگان است، بدین معنا نیست که آرا و اقوال او نیز پذیرفته همگان باشد. در واقع هگل از جمله بحث برانگیزترین متفکران تمامی دورانهاست که مباحثش موضوع مناقشات سخت و پر دامنه ای بوده و هست. از جمله مهمترین موارد مناقشه، بحث رابطه فرد با دولت است؛ موردی که در ادامه به واکاوی آن خواهیم پرداخت.

هگل پژوهان رابطه فرد و دولت در اندیشه سیاسی هگل را به انحاء گوناگون و اغلب متضاد مورد تفسیر و تاویل قرار داده اند. اما پرسش اینجاست که این تضاد تفسیری ریشه در چه دارد؟ نکته ای که پیش از ورود به بحث باید روشن گردد.

در تبیین و تعلیل این مساله در گام نخست باید به زبان دو پهلو و مبهمی اشاره داشت که وی در انتقال اندیشه خویش بکار می گرفت. به طور مثال در دیباچه فلسفه حق جمله مشهوری دارد که «آنچه عقلانی است واقعی است و آنچه واقعی است عقلانی است». این گفته که در اصطلاح «دوپلساتس» یا دوگانه گویی نامیده می شود، نمونه ای از همین مورد است. دلیل دوم نحوه رجوع به متون هگل است. بدین معنا که کسان مختلف بر حسب ارزشها و باورهای ایدئولوژیکی خویش، آثار وی را مورد خوانش قرار می دهند. غالب ایشان به نحوی سخن می گویند که گویی مراد و مقصودشان انکشاف و فهم اندیشه های هگل به همان صورتی است که خود او می فهمید ولیکن واقعیت این است که چنین خوانش هایی بیشتر به کارزاری اخلاقی و سیاسی له یا علیه او شباهت دارد؛ به یک معنا ایشان خود را تفسیر می کنند و به هگل می بندند. سومین دلیل، سامان فکری اوست که به جانب جهدی برای اندیشه دیالکتیکی به معنای سنتز کردن دو چیز متضاد در خصوص یک موضوع خاص رو می کند. در نتیجه به ندرت پیش می آید که او چیزی را به طور صریح و سراسرت رد کرده یا بپذیرد. حال اگر یک جنبه از موضع دیالکتیکی وی مورد توجه قرار گیرد، تضاد تفسیری نمایان می شود.

اما یکی دیگر از دلایلی که معمولا از دیده مغفول می ماند، چیزی ست که مک گرگور آن را «ساده اندیشی روش شناسانه» مفسرین هگل می نامد. از جمله ضعفهای مفسرین، تفسیر متن وی خارج از بستر تاریخی و زمینه جهت دهنده آن است که این خود سبب به محاق افتادن محتوا و تمرکز بر ظاهر کلام می گردد. از همین رو، اکثرا در تغافل از این نکته به سر می برند که ممکن است هگل نکته ای را در مورد موضوعی خاص تقریر کند اما عملا قصدش چیز دیگری باشد یا به بیان اسکینر عامدانه «استراتژی های غیر مستقیمی» را بکار می گرفته تا نیت و مقصود حقیقی اش را در جامه ای مبدل عرضه کرده و مراد خویش را به شیوه ای رمزگونه به مخاطبان انتقال دهد. مک گرگور بر این باور است که برای درک و فهم سخن هگل باید در جهت انکشاف نیات و مقاصد وی در هنگام نگارش گام برداشت. او نیز به پیروی از کوئنتین اسکینر و لئو اشتراوس بر این باور است که فهم مراد و منظور هگل در هر گزارشی از رشد فکری وی ضرورت دارد. صدق گفته اخیر با توجه به اتفاقات دوره پروسی بیش از پیش نمایان می گردد زیرا پس از ابلاغ فرامین کالسباد در ۱۸۱۹، پروس مبدل به دولتی پلیسی شده بود که با قوانین سختگیرانه سانسور، هر اندیشه ای را سرکوب می نمود. از همین رو هگل نیز به جهت اظهار نظر و بیان اندیشه به شیوه ای رمزگونه رو آورد. در همین رابطه، فردریش هاینه گفته بود: «هگل در اغلب اوقات با علائم بسیار گنگ و غامض سخن می گفت تا کسی قادر به فهم دقیق آن نشود. من شاهد بودم که از بالای شانه خویش نگاهی نگران دارد زیرا واهمه داشت که سخنش رمزگشایی شود». در چنین موقعیتی به قول اشتراوس باید سفید خوانی کرد و در تودرتوی سطور و در بستر وقایعی که بر آن قید و بند می زنند تفسیرش نمود.

دو تفسیر در باب رابطه فرد و دولت

درباره نگرش هگل نسبت به رابطه فرد و دولت دو تفسیر مهم وجود دارد که در تضاد و تخالف با یکدیگر قرار دارند. تفسیر متقدم، تفسیری قدیمی ست که هگل را در مقام مرتجعی سیاسی و مدافع استبداد می نشاند که با ایفای نقش مزدوری دولت مطلقه پروس از سیاستهای سرکوب آن حمایت می کرد. در سده بیستم کارل پوپر اتریشی با تبکیت اندیشه هگل و معرفی وی به عنوان یک متفکر توتالیتر مدعی شد که «هگل نخستین فیلسوف رسمی پروسیانیسم و مدافع دولت مطلقه پروس» بود که به عنوان کارگزار جناح ارتجاعی و واپسگرای آن دوره به منظور پاسخگویی به احتیاجات ایشان به کار گمارده شد. جناحی که پس از سال ۱۸۱۵ نیازمند یک ایدئولوژی در مبارزه سیاسی خویش علیه جامعه باز بود؛ «جامعه باز» ی که انقلاب کبیر فرانسه و ایده های ۱۷۸۹ نماینده اش به شمار می آمد. از نظر پوپر، باید اندیشه هگل را در تنافر و ناسازی با آرمان های سیاسی نهفته در لیبرالیسم دانست که با عدم توجه به فردگرایی، بر اصل ارگانیسم تاکید ورزید. و با رد و طرد اندیشه قانون طبیعی به جانب پوزیتیویسم اخلاقی و حقوقی فرو می غلتد. نظریه ای که با معرفی «قدرت به عنوان ملاک حق» بر این اصل استوار شده که «هر انچه هست درست است چون معیار و شاخصه ای جز معیارهای موجود در کار نیست». با این نگرش، هگل بطور تلویحی با مفهوم قرارداد اجتماعی (social contract) که گرانیگاه نظریه لیبرالیسم کلاسیک در خصوص مشروعیت دولت(state) به شمار می آید، درافتاده و اندیشه حقوق طبیعی و بشری را به محاق می افکند. مطابق این تفسیر، هگل با اصرار و ابرام بر «اقتدار اخلاقی مطلق دولت» سبب اسقاط و ابطال «هرگونه اخلاق شخصی و وجدان» می شود. به قول پوپر، هگل خود را سراسر وقف «عبادت و تقدیس دولت» -بطور اعم و دولت پروس- دولتی که نمی توانست دچار خطا گردد -بطور اخص کرده است. پوپر بعنوان مشهورترین راوی این روایت عنوان می کند که البته هگل مدعی حمایت از جامعه آزاد و تظاهر به ارزش آزادی میکند ولیکن تعریفی که وی از آزادی بدست می دهد چیزی نیست مگر به جا آوردن تکلیف و اطاعت و تبعیت از دولت. به عبارتی دیگر، در اندیشه هگل فرد کاملا تابع دولت است. پوپر باور دارد که بطور کلی فلسفه هگل و بویژه آن سخن مشهورش در پیشگفتار فلسفه حق که می گوید آنچه واقعی است عقلانی است، چیزی جز توجیه نظم موجود نخواهد بود.

در برابر این تفسیر اما، خوانشی نو و کاملا متفاوتی عرضه گردید که نه تنها هگل را مدافع دولت مطلقه و در صف ارتجاعیون قرار نمی دهد بلکه صورتی از یک نظریه پرداز و هواه خواه دولت مبتنی بر قانون اساسی و اصل حاکمیت قانون را به تصویر می کشد. این تفسیر متاخر که با عطف نظر به فلسفه حق هگل، تقریر شده، بیشتر ره آورد فکری ز. آ. پلچینسکی است. وی با تمرکز بر مفهوم Rechtstaat یا قانون، عنوان می دارد که نه می توان و نه باید هگل را مرتجعی سیاسی به حساب آورد و ذیل پوزیتیویسم اخلاقی و حقوقی مبتذل طبقه بندی اش کرد؛ او اساسا «متفکری لیبرال» است که در قامت یک نظریه پرداز حقوق طبیعی ظاهر می شود چرا که ناظر به ارزش و اصول اخلاقی ای است که «آرمان اخلاقی» را تشکیل داده و «ابزاری برای ارزیابی قوانین بالفعل» می باشد. به گفته ی پلچینسکی این اعتقاد به قانون عقلانی به عنوان معیار مشروع و قابل قبول قوانین و نهادها و قوانین اساسی، نخستین پارین بنیادی و رکن رکین نظریه سیاسی هگل به شمار می آید؛ هگل بر حقوق طبیعی ای تاکید دارد که بایستی از جانب تمامی دولتها محترم شمرده شده و تکریم شود. از همین رو، نگرش هگل دایر بر این است که هیچ یک از قوانین اساسی نمی تواند معقول فرض گردد مگر اینکه بر این حقوق استوار شده باشد. در واقع این اصول عقلانی به همراه حقوق یاد شده، هم می تواند و هم باید به عنوان اساس و بنیادی برای تطور و دگردیسی تمامی قوانین مستقر عمل نماید. این حقوق، بویژه حقوق مربوط به مالکیت، تضمین کننده آن حوزه خصوصی هستند که دولت قادر نخواهد بود تا به صورتی مشروع به آن دست درازی کند. پلچینسکی در تفسیر خویش بر این نکته پا می فشارد که آن دسته از اندیشه ها که اصرار بر رد اندیشه حقوق بشر در اندیشه هگل دارند، دچار نوعی یکسویه نگری گشته و از دفاعیات هگل از حکومت قانون و دولت مبتنی بر قانون اساسی غفلت ورزیده اند. مطابق نگرش وی، اندیشه سیاسی هگل شباهت فراوانی به «اندیشه سیاسی جان لاک» و سایر اندیشمندان سنت لیبرالی کلاسیک دارد یا چنانکه خود پلچینسکی می گوید، هگل به جریان مشروطه خواه یا ویگ -لیبرالی در اندیشه سیاسی تعلق دارد که خود ینبوع و منشاء لیبرالیسم جدید است.

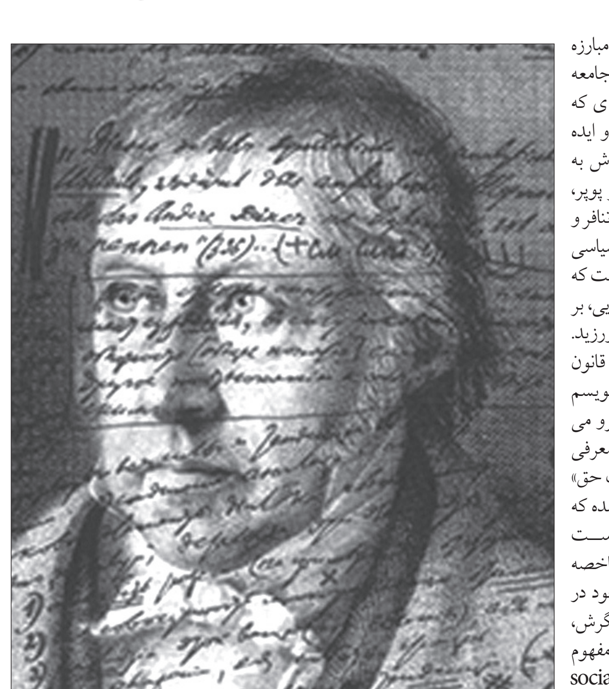

تفسیر پلچینسکی به عنوان تفسیری متاخر در تفاوتی معنادار از تفاسیر متقدم قرار دارد. تفسیری که پس از عرضه، واکنش های مختلفی را برانگیخت. چنانکه هوک در کتاب «Hegel Rehabilitated» می نویسد: از آن هنگام که ارسطو به دست نویسندگان قرون وسطایی غسل تعمید شد، هیچ نکته ای گستاخانه تر از این جهد و کوشش برای تغییر دادن چهره هگل نبوده است.

تفتیش و واکاوی دو تفسیر

به نظر من یکی از اساسی ترین موارد مناقشه و علل تضاد تفسیری را باید در مفهوم «دوپلساتس» جست. پرسش اینجاست که واقعا مراد و مقصود هگل از بیان گزاره «آنچه عقلانی است واقعی است و آنچه واقعی است عقلانی است» چیست؟ قدر مسلم ارائه پاسخی قطعی بدین پرسش کاری به غایت سخت و ثقیل خواهد بود زیرا همانطور که در آغاز این نوشتار نیز متذکر شدم، واژگانی که هگل به کار بسته، دو پهلو و پر ابهام هستند. فردریش هاینه نقل می کند که یکبار در هنگام مقاوضه با هگل، عدم موافقت خویش با گزاره اخیر را اظهار نمودم، هگل اما با لبخندی خاص بر لب پاسخ داد: «هر چیزی که عقلانی است باید وجود داشته باشد».

تفسیر آن دسته از مفسران که هگل را مدافع و خواهان سلطنت مطلقه می دانند، بر این درک از دوپلساتس سامان یافته که «هرچه وجود دارد بطور ذاتی عقلانی است». از همین رو به نحوی از انحا می توان گفت که دولت مطلقه پروس در ۱۸۲۱ مثالی از یک دولت خوب و عقلانی است زیرا «وجود دارد». اما در اینجا باید متذکر نکته ای شد که غالبا از چشم مفسران مغفول مانده است و آن تمایزی ست میان مقولات واقعیت(actuality) و وجود. در سامان نظری هگل، لفظ واقعیت تنها به قصد اشاره به چیزهای موجودی بکار می رود که ذاتا عقلانی هستند یا به بیان دیگر، چیزهایی که عقلا وجود دارند. بدین ترتیب، اینکه بگوییم تمامی چیزهایی که واقعی دانسته می شوند ضرورتا وجود دارند، سخنی صادق خواهد بود ولیکن نمی توان قائل به صدق سخنی شد که می گوید «همه آن چیزهایی که وجود دارند ضرورتا واقعی و عقلانی هستند». از همین رو، امکان دارد که دولتی موجود دقیقا دولتی واقعی نباشد زیرا غیر عقلانی بوده و به همین دلیل از منظر اخلاقی دولتی ناموجه و نامشروع خواهد بود. بنابراین می توان با کاپلستون هم آوا شد که می گوید قصد هگل مصون نگه داشتن دولتهای تاریخی از نقد نیست و این موضوع به همان اندازه ای درباره دولت پروس ۱۸۲۱ صادق است که درباره هر دولت موجود دیگری در تاریخ. با این حال تفسیر متقدان در رابطه با مساله فرد و دولت در اندیشه سیاسی هگل، نقاط قوتی نیز دارد. بطور مثال ایشان توجهات را به جانب یک بعد قدرت طلبانه در اندیشه هگل جلب می کنند بویژه آنجایی که وی نسبت به نظریه قرارداد اجتماعی دولت معترض است. همچنین ایشان با عطف نظر بر مفهوم آزادی، نشان می دهند که آزادی در نظر او، میانه ای با مفهوم آزادی منفی مورد اقبال لیبرالها ندارد و آزاد بودن در فرجام به انجام تکلیف و ادای وظیفه می رسد. البته در قوت ایشان نیز نشانه هایی از ضعف و خلل هویداست. این درست است که دراندیشه هگل، نظم اجتماعی و تکلیف مقدم بر آزادی -در آن معنایی که لیبرالهای کلاسیک بکار می بردند- فرض می گردد اما این به معنای تبعیت بی چون و چرای فرد از دولت و «نظام سیاسی» نیست. با توغلی در مفهوم دولت عقلانی که در فلسفه حق به بحث گذاشته شده، در خواهیم یافت که هگل موافقتی با دولت مطلقه نداشته و در خصوص التزام به حاکمیت قانون و قانون اساسی با لیبرالهای کلاسیک مشترک است. این سخن راستی است که وی بر اصل «جایگاه من و تکالیف مختص به آن» تاکید دارد ولیکن آن تکالیف در وهله نخست تکالیفی تاریخی هستند که به آدمی «فراداده» شده و با انگاره قانون اساسی سیاسی مدام در حال تطور و دگردیسی و تکامل یک ملت همگام و همراه اند. با واکاوی بیشتر اندیشه سیاسی هگل، کاشف به عمل می آید که وی دولت را در دو گستره معنایی خاص به کار می برد. نخست، دولت در معنای محدود است که به نهادی بروکراتیک با وظیفه قانونگذاری و تنفیذ قوانین اطلاق می گردد که او آن را «دولت اکیدا سیاسی» نام نهاده است و دوم، دولت در معنای وسیع که هگل در فلسفه حق تا حدودی آن را با «زندگی اخلاقی» همسان می گیرد. این معنای دولت، اشاره به یک اجتماع پیچیده ارگانیک مفصل بندی شده دارد که در کلیت همان «جامعه» است. درنظر هگل، آن دولتی که افراد تکلیف بی چون و چرایی در برابرش دارند و باید منافع خودخواهانه خویش را تابع آن کنند، «جامعه» در کلیت آن است و نه دولت در معنای محدود یا همان چیزی که هگل آن را «دولت اکیدا سیاسی» می نامید. از همین رو، انجام تکلیف در برابر دولت به هیچ عنوان به معنای مکلف بودن بی چون و چرای اتباع به اطاعت از فرامین من عندی و دلبخواهانه حاکم مطلقه نبوده و آن «دولت اخلاقی» نسبتی با دولت مطلقه پروس ۱۸۲۱ ندارد. هگل در عین اینکه از تکلیف وادای وظیفه در قبال جامعه -دولت درمعنای وسیع کلمه- سخن می گوید متذکر این نکته نیز می شود که افراد واجد حقوقی هستند که به «شکلی تاریخی» به ارث برده اند که محافظت از ایشان را در برابر مزاحمتهای «دولت اکیدا سیاسی» بر عهده داشته و تضمینی ست برای آزادی های فردی. شاید بر پایه همین ایضاحات مفهومی بتوان هم آوا با آلن وود تمامی تفاسیری که هگل را متفکری توتالیتر و مدافع دولت مطلقه پروس معرفی می کنند، «کاملا اشتباه» و دچار سوتفاهم دانست.

در بررسی اندیشه سیاسی هگل می توان شواهد و قرائنی یافت که موید تفسیر پلچینسکی باشد ولیکن نمی توان بر جنبه های افراطی این تفسیر نیز چشم فرو بست. در پذیرش این نکته که هگل مدافع دولت مبتنی بر قانون اساسی و معتقد به نظریه دولت مشروطه است، جای شبهه ای نیست اما مشکل از آنجایی آغاز می گردد که پلچینسکی او را «متفکری لیبرال» معرفی کرده و اندیشه اش را ذیل لیبرالیسم تعریف و تفسیر میکند. در واقع پلچینسکی با همراه سازی اندیشه هگل با اندیشه سیاسی ویگی در سده هجدهم انگلستان به چنین تفسیری روی می آورد. ما می دانیم که هگل شناخت موسعی از سیاست انگلستان و نظام مشروطه آن داشت چنانکه مطلبی انتقادی نیز درباره «لایحه اصلاحات» به تصنیف در اورده بود. همچنین سخن هگل در فلسفه حق در خصوص پادشاهی، ما را متوجه میل و علاقه وی به اندیشه ویگی در خصوص دولت مشروطه می کند و نشان می دهد که سخن او تنها اشاره ای به اصول قانونی بریتانیای مدرن نیست بلکه صحه گذار ترتیبات نهادی سنتی انگلستان نیز هست. اما اشکال اصلی در تفسیر پلچینسکی نه مرتبط ساختن اندیشه هگل با اندیشه سیاسی ویگی بلکه آنجایی ست که وی بیش از آنکه هگل را در نسبتی معین با ویگهایی همچون ادموند برک که ذهنیت تاریخی بیشتری داشتند، مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد، او را به جان لاک مرتبط می سازد. این درست است که لاک و برک به جریان اندیشه ویگی تعلق داشتند ولیکن هر یک از این دو تن در دو شاخه متفاوت به بیان اندیشه خویش مشغول بودند. ویگهایی چون لاک، نظریه خویش را بر اصول انتزاعی غیر تاریخی استوار نموده بودند که برایشان اعتباری کلی وجهان شمول داشت و به همین اعتبار از دولت مشروطه حمایت می کردند. اما در مقابل و در شاخه دیگر ویگها، کسانی همچون برک بر این باور بودند که نمی توان برای تعیین مشروعیت دولت به مدعیات انتزاعی و غیر تاریخی استناد کرد. در واقع برک با توسل به تاریخ و آداب و سنت است که به دفاع ازحکومت قانون بر می خیزد. درست در همین جاست که تفسیر پلچینسکی از آن اهمیتی که هگل برای استدلال تاریخی قائل بود، غمض عین کرده و از این موضوع غفلت می ورزد که هگل به سرسختی بسیار منتقد استدلال انتزاعی لاک در بحث قرارداد اجتماعی در تشکیل دولت است. تفسیر پلچینسکی با عدم توجه به اهمیت وافری که هگل برای نظم اجتماعی و سنت و رسوم تاریخی قائل است، سویه هایی افراطی پیدا می کند و تصویری از وی به نمایش می گذارد که شباهت چندانی به خود هگل ندارد. اگر به همان تذکر آغازین این نوشتار بازگردیم میتوان چنین گفت که اندیشه سیاسی هگل حدوسطی ست میان دو قطب نامعقول رویکرد سنتی و رویکرد رادیکال به سیاست. به عبارتی دیگرغایت اندیشه سیاسی هگل، سنتز کردن اصل نظم اجتماعی با اصل آزادی می باشد. بنابراین همانطور که نمی توان ردای ارتجاع سیاسی را بر دوشش انداخت، جامه لیبرالیسم نیز بر قامت وی نمی نشیند. قدر مسلم هگل در فلسفه حق حامی استبداد و حفظ وضع موجود در پروس ۱۸۲۱ نبود و هیچ میلی نیز برای فریزکردن پروسه دگردیسی و تطور تاریخی دولت مطلقه پروس در آن زمان خاص نداشت اما از طرفی دیگر خواهان براندازی خشونت آمیز دولت مطلقه پروس همچون روندهای انقلابی فرانسه نیز نبود. به بیان هگل هر گونه جهت و کوشش برای تحول سیاسی انقلابی در پروس، همچون فرانسه، چیزی نیست مگر خواست تغییری زیاده از حد و بیش از اندازه سریع در تاریخ. در مجموع می توان گفت که هر دو تفسیر از اندیشه سیاسی هگل دربرخی جنبه ها به جانب افراط کشیده شده و با تاکید بر یک وجه، وجوه دیگر را نادیده می گیرند. اگر همچون پوپر بر اصل نظم اجتماعی درهگل انگشت گذاریم و در نهایت او را حامی دولت مطلقه و متفکری توتالیتر بنامیم، همانقدر به خطا رفته ایم که به سان پلچینسکی او را به عنوان متفکری لیبرال جا بزنیم. من بر این باورم که اندیشه سیاسی هگل، قرابت خاصی با شاخه ویگهای قدیمی انگلیسی دارد که امروزه از آن به محافظه کار نامیده می شوند. از همین رو میتوان هگل را یک متفکر سیاسی محافظه کار همچون ادموند برک دانست. البته باید متذکر این مطلب نیز بود که اولا محافظه کاری معنای متفاوتی از سنت باوری و واپس گرایی فلسفی و سیاسی داشته و نسبت چندانی با تصور ایرانی از این مفهوم ندارد و در ثانی، خاطر نشانی هگل و اهمیت وی به ارزش پایبندی به رسوم تاریخی و سنت نه به جهت قدمت آنهاست و نه کاری در جهت ضدیت با اصلاحات سیاسی بلکه او در راستای اندیشه محافظه کاری خویش به عنوان یک جنبش سیاسی -فکری مدرن- در پی ایجاد سازشی میان ارزشهای نظم اجتماعی و آزادی بود.

هگل در متن آثارش

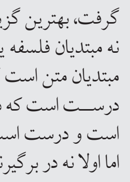

محمد ایمانی- هگل در زمان حیات خود ۴ کتاب منتشر کرد: پدیدارشناسی روح، دانشنامه علوم فلسفی به صورت طرح، علم منطق و خطوط بنیادین فلسفه حق.معمولا گفته می شود برای ورود به آثار هگل، خواندن بخش نخست دروس فلسفه تاریخ جهانی، که بعدتر توسط ویراستاران «عقل در تاریخ» نام گرفت، بهترین گزینه است، بویژه برای مبتدیان و مراد از مبتدیان اینجا نه مبتدیان فلسفه یا کسانی که هیچ اثری درباره هگل نخوانده اند، بلکه مبتدیان متن است که می خواهند شروع به خواندن متن فیلسوف کنند. درست است که دروس فلسفه تاریخ جهانی آسان تر از باقی آثار هگل است و درست است که در دوران پختگی هگل در برلین ادا شده است، اما اولا نه در برگیرنده کلیت فلسفه هگل است و نه خالی از سوء تفاهم برای خواننده تازه کار. این کتاب مملو از مفاهیم متعلق به ترمینولوژی هگلی است که بدون درک درستی از معنای آن ها نزد هگل، به راحتی ممکن است به لغزشگاه های بدفهمی سقوط کرد. کتاب پدیدارشناسی روح یکی از دشوارترین کتابهای تاریخ فلسفه است. به هیچ مبتدی ای پیشنهاد نمی شود که برای شروع به خواندن متن آثار هگل با این کتاب شروع کند. معمولا کسانی که طیلسان استادی فلسفه به دوش می کشند به محض مواجهه با این کتاب، فرار می کنند. کتاب بسیار فشرده نوشته شده، نثری پیچیده، صعب العبور و گاهی تاریک دارد و سرشار از مفاهیمی است که برای تحصیل هر یک از آنها باید وقتی جداگانه گذاشت. علم منطق هگل را برخی دشوارترین اثر تاریخ فلسفه می دانند. نیکولای هارتمان، منطق دان بزرگ آلمانی معتقد است این کتاب دشوارترین کتاب فلسفه در زبان آلمانی است و برای تحصیل این کتاب نفس گیر بیست سال زمان نیاز است. پس علم منطق که خواندن آن بویژه نیاز به مقدمات فراوانی دارد به هیچ عنوان گزینه خوبی برای شروع به خواندن متن آثار هگل نیست. خطوط بنیادین فلسفه حق اثر اصلی هگل در فلسفه حقوق و فلسفه سیاسی-اجتماعی است. این کتاب می تواند گزینه مناسبی برای کسانی باشد که تنها به فلسفه سیاسی هگل علاقه دارند. با این حال باید دانست خواندن این کتاب بدون شناخت درستی با سایر اجزاء نظام فلسفی هگل بسیار مستعد بدفهمی درونمایه های اصلی کتاب خواهد بود. اما در این میان کتاب دانشنامه علوم فلسفی به صورت طرح باقی می ماند. قبل از اینکه توضیحی مختصر درباره این کتاب بدهم مایلم چند نکته را درباره شیوه های متن خوانی و اینکه اساسا ما چرا متون فلسفی را می خوانیم، به صورت مختصر بیان کنم. متن خوانی آثار فلسفی می تواند انگیزه های متفاوتی داشته باشد. من اینجا مشخصا درباره متن خوانی آثار هگل سخن خواهم گفت. یک وقت ما می خواهیم شروع به متن خوانی آثار فیلسوف کنیم چون می خواهیم مجموعه آثار او را بخوانیم و برای این کار دلایل و انگیزه هایی داریم. یک زمان ما می خواهیم آثار اصلی یا یکی دو اثر از یک فیلسوف را بخوانیم و در برنامه مان خواندن آثار کلاسیک فلسفی است. گاهی ما مسئله و پرسشی داریم که فکر می کنیم با خواندن متن فلان اثر بهتر می توانیم آن مسئله را بفهمیم و چه بسا پاسخی برای پرسشهای خود در آن بیابیم. همچنین است وقتی که یک اثر را می خوانیم چون برای تحقیق یا پایان نامه خود به خواندن آن نیاز داریم. یک وقت هدف ما آشنایی با کلیت فلسفه یک فیلسوف با خواندن آثار اوست و لزوما هم نمی خواهیم همه آثار او را بخوانیم بلکه بیشتر می خواهیم با متن آثار او مستقیم مواجه شویم. هدفمان این نیست که متخصص هگل شویم بلکه بیشتر می خواهیم از اندیشه های یکی از بزرگترین فیلسوفان تاریخ سر در بیاوریم. وقتی بحثی درباره آثار او و مضامین آن می شود چیزی از او خوانده باشیم که بتوانیم بحث را درست بفهمیم در بحث مشارکت کنیم و بر دانش خود از طریق گفتگو بر سر آراء فیلسوف گفتگو کنیم و شاید افقی جدید درباره مسائل خودمان با اتکا و اقتفا به وی بگشاییم. به این لیست می توان انگیزه ها و دلایل دیگری را هم افزود. اینکه سخن را دراز کردم بیشتر به این علت بود تا بدانیم قبل از خواندن یک متن فلسفی هدف مان و انگیزه مان از خواندن متن چیست؟ به دنبال چه چیزی هستیم؟ البته برخی هم هستند که از خواندن متون یا تظاهر به خواندن آنها به دنبال نوعی خودنمایی و سخن پراکنی های رایج در محافل فلسفی هستند. برخی یا شاید بسیاری از روشنفکران ما وقتی در آثارشان دقیق می شویم مبتلا به این بیماری هستند. البته ما نمی توانیم به کسی که دوست دارد برای خودنمایی یا اظهارلحیه در بحث متون فلسفی بخواند بگوییم نخواند یا از او راهنمایی خود را دریغ کنیم. به هر حال او هم می تواند از این راهنمایی ها استفاده کند. مسئله این است که او هنوز «مسئله خود» را درست نمی شناسد و ورودش به فلسفه یا اشتغالش به فلان فیلسوف خود اتفاقا ناشی از بیگانگی او با «مسائل خودش» است. اما اگر مسئله خودمان را می شناخت بدون شک راه های بهتری برای خودنمایی پیدا می کرد. مشکل اساسی ما همین «مسئله» است. باید ببینیم «مسئله» ما چیست؟ چرا می خواهیم فلسفه بخوانیم؟ چرامی خواهیم کانت یا هگل یا ارسطو یا فارابی بخوانیم؟ باید بدانیم فیلسوفان بزرگ آن قدر بزرگ هستند که وقتی با آنها بدون نقشه راهنما و بدون پرسش و بدون «مسئله» مواجه شویم، آنها مسائل ما را تعیین خواهند کرد. آنها ما را با خود خواهند برد. آنها ما را غرق در پرسشهای خود خواهند کرد. این البته بد نیست، بلکه خیلی هم خوب است. اما باید ببینیم هدف ما از خواندن یک متن فلسفی یا اساسا اشتغال ما به فلسفه به چه دلیلی است؟ آیا تا کنون از خود پرسیده ایم چرا به سراغ کانت می رویم؟ یا چرا به سراغ فوکو می رویم؟ چه چیزی در فوکو یا کانت ما را به سمت خود می کشد؟ چقدر فضایی که در آن زندگی می کنیم بر انتخاب های ما تاثیر می گذارند؟ چقدر مسائل آن فضا واقعی هستند؟ و چه نسبتی با مسائل ما دارند؟ خلاصه اینکه همه اینها به این معنی نیست که عقب بنشینیم. خواندن آثار فلسفی در اوقات فراغت هم می تواند باشد هر چند نباید وقتی در اوقات فراغت مشغول متون فلسفی می شویم خودمان را خیلی جدی بگیریم بلکه باید بدانیم اشتغال به فلسفه بیشتر یک اشتغال شخصی است که ممکن است از حد سرگرمی هم فراتر رود. اشکالی ندارد که حتی فلسفه تبدیل به سرگرمی ما شود بویژه اگر سرگرمی بهتری نداریم یا نمی توانیم تولید کنیم. اما باید یک بار تکلیف خودمان را با خودمان روشن کنیم که چرا سراغ فلسفه می رویم و چرا فلان اثر را می خوانیم یا می خواهیم شروع به خواندن آثار فلان فیلسوف بکنیم. برای خودمان دلایل و انگیزه هایمان را لیست کنیم. من خوشحال می شوم اگر دوستان دلایل و انگیزه هایشان را برایم بفرستند و بعد یک جمع بندی از کل آنها بکنیم و آن را در کانال قرار دهیم تا با دلایل و انگیزه های یکدیگر آشنا شویم. سخن به درازا کشید، برگردیم به دانشنامه علوم فلسفی به صورت طرح...

دانشنامه فلسفی به صورت طرح، شامل سه بخش منطق، طبیعت و روح است. هر بخش آن دوباره به سه بخش تقسیم می شود. منطق به آموزه وجود، آموزه ذات و آموزه اندیشه. طبیعت به مکانیک، فیزیک و فیزیک ارگانیک. روح به سه بخش روح سوبژکتیو، روح ابژکتیو و روح مطلق. هر کدام از این سه بخش دوباره به سه بخش تقسیم می شوند که تفصیلش را در کتاب می توانید ببینید. این کتاب از این جهت که کتابی است که در درجه اول برای آماده کردن مواد تدریس نظام فلسفی هگل توسط خود او آماده شده، نسبت به منطق و پدیدارشناسی و فلسفه حق خلاصه تر و با زبانی ساده تر نوشته شده است، این کتاب به صورت طرح و نقشه کل نظام فلسفی هگل است که صورت تفصیلی آن در پدیدارشناسی و منطق و فلسفه حق و سایر درسگفتارهای هگل پی گرفته شده است. هگل فیلسوف نظام ساز است. اجزاء فلسفه او را بدون داشتن درکی حداقل مجمل از کلیت نظام فلسفی او نمی توان درست درک کرد. به همین دلیل این کتاب گزینه مناسبی برای شروع به خواندن متن آثار هگل است. البته می توان کتاب دوم را موقتا در پرانتز قرار داد، از کتاب سوم یعنی روح شروع کرد و اگر با موفقیت به پایان رسید، کتاب اول یعنی منطق را شروع کرد. خواندن کتاب سوم خیلی بهتر از خواندن پدیدارشناسی یا فلسفه حق است، بویژه پدیدارشناسی که برای خواننده مبتدی و حتی غیرمبتدی سرگردانی بوجود می آورد و اهل فن در فلسفه هم نمی توانند بدون یک تمرکز حداقل دو سه ساله بر روی کتاب پدیدارشناسی روح از سرگشتگی در بیایند. اما بخش سوم کتاب دانشنامه علوم فلسفی به صورت طرح ما را آسان تر وارد کاخ فلسفه هگل می کند.

تازه های کتاب

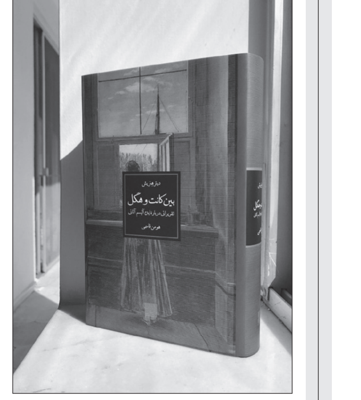

«بین کانت و هگل» تقریرات درس های دیتر هنریش دربارهٔ ایده‌آلیسم آلمانی با ترجمهٔ هومن قاسمی در ۴۴۴ صفحه منتشر شد.